



از خلق ترکمن

دروود به شهیدان خلق

توماج / مختوم / واحدی / جرجانی



هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۵۸



جانان آتش گشودند

و فریاد زنده باد خلق، زنده باد شوراها در عطر خون پیچید

آ...ی، توماج... توماج
رفیق خلق، فدائی ترکمن
گل عصیانی زندان‌های شاه، توماج
آ...ی توماج... توماج

ماه روی جنگل‌های «گلستان»
ماه در سینه رودخانه «گالیکش»
خنجر اخطار حادثه‌ای خونین بود.
ماه در آینه‌های موج می‌شکست.
آ...ی توماج... توماج
لاله توفانی دشت‌های خون، توماج

سایه‌ها در دشت‌های ترکمن صحرا می‌لرزید
ترکمن مادری
زخم شعله‌ور فرزند دلیر می‌بست
ترکمن پدری
خشاب از کمر می‌گرفت
با لب‌هائی آتش‌گرفته و لرزان
که شهیدان حادثه خونین را شماره می‌کرد
آ...ی توماج... توماج
ستاره‌ی خونین صحرای ترکمن، توماج

از «یورت شیخان» تا «اینچه برون»
و از «گمیش تپه» تا «شیخ لر» آتش گرفت
نگاه کن ... نگاه کن

این دریای پرچم‌های سرخ
که بر دست کودکان ترکمن صحرا به گردش در آمده است
خون دلاوران ترکمن صحراست
خون صیادان و کشتگرانست
خون زمین و شورا است
خون آوازه خوان رفیقانست
خون آوازه خوان توست ، توماج
آ... ی

توماج... مختوم... واحدی... جرجانی...
داس خونین دهقانان، فدائیان خلق
تور خونین صیادان، فدائیان خلق





آماج تیرهای فراوان شد، توماج

آری
 آماج تیرهای فراوان شدند
 رزمندگان خلق
 در موسم ترانه و گل چیدن
 در روزهای فصل شکفتن
 در لحظه‌ای که جنبش «شوراها»
 می‌رفت تا حماسه مردم را
 پربارتر کند
 دقتی سرود سرخ فدائی
 با جان جرجانی و مختوم
 با هستی مبارک توماج،
 با طواق
 پیوند عاشقانه‌ای می‌بندد
 بر آسمان آبی گنبد
 نامی بزرگ می‌گذرد، از عشق
 نام عزیز «شورا»



قلب جوان دشت
 با سرنوشت روشن و خونینش
 می‌داند
 بی‌نام عاشقان وطن، این بار
 گندم نمی‌تواند
 راه بلند و سرخ شکفتن را
 طی می‌کند

«تایماز»!

اسطوره شهادت توماج
 از مرز باستانی تاریخ درگذشت
 بر مادرت، عروس عروسان، برخوان
 آواز روسفیدی گندم را

آری

آماج تیرهای فراوان شد
 توماج





خانه به خانه

«آنها را خانه به خانه خواهم کوبید»
بنی صدر ۵۸/۱۱/۲۶

سردار سود و سرمایه
سلطان سازش و سالوس!
ابزار مرگزایت را صیقل ده
در اجتماع کل مرتجعین
با واژه‌های کهنه ناپلئون

سخن بران

در مکتب پلیدامپریالیسم درس بیاموز
با هر چه تیر در ترکش داری
بر من بیار

در جستجوی من
هر کوی و خانه

هر کارگاه و مزرعه را درهم کوب

من باز،

از لای خاک و خون،

از قلب میهن ویرانم

برخواهم خاست.

در زیر آسمان صافی گنبد

در چارسوی زنده و پرشور آق قلا

ترا خواهم گرداند.

با هزاران هزار انگشت خلق

کمند امپریالیسم برگردن

و تاج سرمایه را بر سرت

نشان خواهم داد.

ترا به دشتهای لوت خواهم خواند

و تا قعر مردابهای انزلی خواهم تاراند

ترا به کردستان،

آتشفشان زنده ایران

خواهم کشاند.

و در صخره زارهای بوکان

بر تو خواهم تاخت.

سراسر شوراها را به آتش کش

در کنج چشم کودک ترکمن خواهم ماند.

مزارع ترکمن را با ناپالم بسوزان

در خاکستر خاک ترکمن خواهم زیست

آنگاه

بر بال بادهای شمال

تا آسمان گر گرفته خوزستان

تا حجره های قلب کارگر آبادان

خواهم تاخت.

دشنه خون آلودت را در سینه اش بنشان

با واپسین فریادش

از حنجره هزاران رنجبر

پرواز خواهم کرد.

بر بام سرخ عشق به زحمتکشسان
خواهم نشست
و در پشت آواری از کینه طبقاتی
سنگر خواهم بست.

همگام و همعنان خلق
تا عمق کار و رنج
تا اوج عشق کینه

خواهم رفت

در زخم دستها
در پای داربستها
در دوك پيرزنها

خواهم گشت

برمن بتاز، باری
با کل قوای خویش برمن بتاز
اما

شبانہ

چون بختکی مهیب

با میلیونها پا

با میلیونها چنگ

مرا بر تخت سینهات خواهی یافت.





ماه ترکمنی

ماه پریده رنگ در آسمان ترکمنی
 قالیچه‌های سرخ در اترك ترکمن.
 بر دست و سینه اترك
 عطری شگفت جار بست.

این، سرخی قالیچه نیست،

نه

خون است،

خون ترکمنی.

ماهی نقره

بر قالیچه‌های خون

گم می‌شود و پیدا

ماه ترکمنی.

شب در ترانه - سرودهایش
از واحدی، مختوم، توماج و جرجانی

می خواند خلق ترکمنی.

زیباتر نیست

ده ده

صد صد

هزار هزار

بازگشت ترکمنی

چارستون آسمان و زمین می لرزد

تا صبح

بیشمار اوبه قد می کشد

بر سینه دشت ترکمنی.



آقای رئیس جمهور
خلق همه فدائی اند
بیشمار فدائی دارد خلق ترکمن
آقای رئیس جمهور
می دانید چند درصد خلق
این جنایت وحشتناک را

از یاد نخواهد برد؟

۱۰۰ درصد.

آقای بنی صدر
رزم خلق ترکمن

۱۰۰ درصد ادامه دارد

۱۰۰ درصد باور کنید.